

## شکنجه و تلاش برای درهم شکستن اسپران دگراندیش، شیوه رایج تاریک اندیشان حاکم و «سربازان گمنام» ارتجاع

مدت در سلول انفرادی، عدم ارتباط با وکیل مدافع، عدم ملاقات با خانواده و بستگان، صرف نظر از اینکه زندانی چگونه اعتقاداتی و یا وابستگی های سازمانی و فکری دارد، از نظر حزب ما کاملاً محکوم و مطرود بوده و عملی غیر قانونی، مغایر حیثیت انسان و بسیار وحشیانه تلقی می گردد. ماجرای دادگاه عباس عبدی و بهروز گرانپایه، اولین و آخرین در نوع خود نبوده و نیست و مادام که رژیم واپس گرای ولایت فقیه حاکم است، وضع به همین منوال ادامه خواهد یافت. در این خصوص، اما

ادامه در صفحه ۴

هیاهوی تبلیغاتی که مرتجعین پیرامون به اصطلاح اعترافات متهمان پرونده مرسوم به نظر سنجی به راه انداخته اند، از موضوعات بحث برانگیز در شرایط کنونی قلمداد می شود و موضعگیری در باره آن از سوی جناح های حکومتی و نیز احزاب و سازمانها و نیروهای مترقی و آزادی خواه در جریان است.

در واقع اعترافات عباس عبدی و بهروز گرانپایه و پرونده سازی بر ضد آنها به یک موضوع جدی و اساسی بدل گردیده. نخست باید تاکید کرد، شکنجه، وادار کردن شخص زندانی به اعترافات و اقرار اجباری، بازداشت طولانی



شماره ۶۵۲، دوره هشتم  
سال نوزدهم، ۱ بهمن ماه ۱۳۸۱

**سرکوب خلق ها - سیاست  
مستمر رژیم ولایت فقیه  
در صفحه ۵**

### انحلال شورای شهر تهران، بیش از انتخابات شوراها

هفته گذشته، انحلال شورای شهر تهران بعد از جار و جنجال در اطراف کاریکاتوری در روزنامه حیات نو، مورد بحث و جدل حکومتیان بود. در این میان موضوع اصلی بیشتر معطوف به آن گردیده بود که افراد وابسته به جناح ها و گرایشات گوناگون، علت اصلی این کشمکش و انحلال بوده اند و هر کدام طرف دیگر را در این زمینه مقصر می دانست. عطریانفر از حزب کارگزاران در این باره به ایسنا، ۲۵ دی، گفت: "مشکلاتی بر سر راه خدمت مردم از طریق شهرداری وجود داشت که منشاء آن برداشت های فردی و موانعی که از طریق بعضی از اعضای شورای شهر ایجاد شده بود، باز می گشت. در جهت برون رفت از مشکلات ایجاد شده و بر همین اساس در جلسه ای که چندی پیش بعد از بیان نظر هیات حل اختلاف در باره انحلال شورا برگزار شد، بنده استقبال خود را از استعفای پست ریاست شورا به عنوان راهکاری که به برون رفت از این مشکلات می انجامد مطرح کردم." وی در ادامه به تشریح حوادثی پرداخت که در جریان کار شورا افراد با آن روبرو بودند. جلاصه نظر عطریانفر این است که انحلال شورای شهر

ادامه در صفحه ۲

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره انتخابات شوراها

## انتخابات شوراها را به صحنه مبارزه برای بسیج نیروهای اجتماعی و تشدید افشاگری و پیکار بر ضد رژیم ولایت فقیه تبدیل کنیم

گذشته، در کنار عملکرد مآشات گر و تسلیم طلبانه اصلاح طلبان حکومتی اجازه نداد که شوراهای شهر و روستا آنچنان که مردم انتظار داشتند نقش فعال و تأثیر گذاری در تعیین سیاست های محلی بر عهده داشته باشند. افزون بر این، عملکرد وابستگان مستقیم و غیر مستقیم تاریک اندیشان حاکم و کسانی که نقاب فربیکاری بر چهره دارند و خود را پشت شعارهای مردمی پنهان کرده اند، برخی از شوراهای مهم شهر را همچون شورای شهر تهران فلج کرد و اجازه نداد تا این شوراها به وظایف خود عمل کنند. بر پایه این واقعیات است که مردم ما با سرخوردگی شاهد برگزاری دومین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا هستند. آمار رسمی وزارت کشور جمهوری اسلامی از کاهش چشم گیر استقبال مردم برای نام نویسی و نامزدی در انتخابات شوراهای خبر می دهد و قاعدتاً باید انتظار داشت که حضور مردم در دور دوم انتخابات نیز کاهش یابد. شماری از نیروهای مخالف رژیم استبدادی، این انتخابات را تحریم کرده

ادامه در صفحه ۶

هم میهنان آگاه و مبارز! مردم میهن ما در شرایط بغرنج و دشواری به سمت برگزاری دومین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا می روند. نخستین انتخابات شوراهای شهر و روستا، بررغم همه تلاش ها و ترفندهای رژیم مرتجع، عرصه مهمی در افشا و تشدید فشار بر ضد رژیم ولایت فقیه بود که با پیروزی نیروهای ضد استبداد و شکست سنگین کارگزاران ولی فقیه به پایان پیرومند خود رسید. پیروزی صدها تن از نیروهای مردمی و ترقی خواه شکست سنگین "انصار ولی فقیه" نشان داد که مردم ما آماده اند با بهره گیری از هر امکانی به مبارزه بر ضد رژیم بپردازند.

عملکرد ضعیف و کم حاصل چهار سال گذشته شوراها از جمله عدم سازماندهی حل معضلات مردم فقدان کمک لازم جهت ایجاد تشکل های مدنی برای حل مشکلات مردم نشان داده است که رژیم ارتجاعی و ضد مردمی ولایت فقیه مصمم است تمام تلاش خود را به کار گیرد تا نهاد های واقعاً مردمی نتوانند نقش فعالی در تعیین سرنوشت تحولات میهن ما ایفا کنند. فشارهای مرتجعان حاکم، در چهار سال

**ما با تشدید مبارزه برای دموکراسی و سرنگونی صدام از صلح واقعی دفاع می  
کنیم!  
در صفحه ۸**

**با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری**

**برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!**

## ادامه انحلال شورای شهر تهران ...

تهران ناشی از اختلافات اعضای آن بوده است.

اشرف پروجودی دبیر هیات مرکزی حل اختلاف گفت: "هیات مرکزی حل اختلاف تسلیم رای جمعی است. انحلال شورای شهر تهران بر اساس مستندات قانونی صورت گرفته و به هیچ وجه گریشات سیاسی در آن دخیل نبوده است." (ایسنا، ۲۵ دی) وی در جایی دیگر از مصاحبه گفت: "با این حال نمی توان منکر عدم تاثیر انحلال شورا بر مشارکت مردم در آستانه انتخابات شد و نسبت به این مساله ابراز تاسف نکرد چرا که این انحلال در زمان مناسبی صورت نگرفت و باید تامل بیشتری می شد."

اصغر زاده که چهره ریاکارش زیر شعارهای اصلاح طلبانه هر روز بیشتر آشکار می شود، در سخنان آتشینی گفت: "کشور مان با بحران بزرگ اقتصادی تحت عنوان افزایش قیمت زمین و مسکن روبه رو است و شهرداری تهران به دلیل گردش مالی بسیار گسترده که در تهران دارد و به دلیل این که ما با یک سازمان بسیار مهم در عرصه ملی روبه رو هستیم، نظارت، دقت و دخالت مردم تنها از طریق نهادهای مدنی امکان پذیر است. به مافیای زمین و مسکن، به دلیل اتفاق اخیر تبریک می گویم، به خاطر سازمان دهی دقیقی که کردند و تاثیری که بر نهادهای تصمیم گیر گذاشتند و یک شورای شهر را از عرصه تصمیم گیری خارج کردند، اصلاح طلبان و دولت خاتمی باید پاسخگوی این اتفاق باشند." (ایسنا، ۲۵ دی) اصغر زاده در حالی این سخنان را بیان کرد که نقش وی و همفکرانش در انحلال شورای شهر تهران به نفع مرتجعان حاکم بر هیچ کس پوشیده نیست.

کبهان، ۲۵ دی ماه، در سرمقاله خویش آورد: "به راستی چرا انحلال شورا فقط برای بعضی روزنامه ها و محافل حزبی، غصه آفرید و برای مردم عادی هیچ حساسیتی به همراه نداشت؟ آیا واقعا بود و نبود شورا برای آنها یکی است؟ آیا مردم از اینکه شوراییان به فکرشان باشند و برای شهرشان اندیشه کنند، ناامیدند؟ این سؤال ها را چه کسی باید پاسخ دهد؟ شاید غلط نباشد که بگویم، شورای شهر تهران، دیشب منحل نشد، این نهاد مدنی، همان روز که می خواست متولد شود سر زار رفت! "رمضان زاده سخنگوی دولت در مصاحبه هفتگی خویش در این باره گفت: "هیات مرکزی حل اختلاف متشکل از قوای سه گانه کشور بودند و این تصمیم نظر دولت نبوده است، بلکه هیات مذکور با انجام رای گیری به انحلال آن نظر داده است." (آفتاب یزد، ۲۶ دی) وی در مورد امکان کاهش حضور و مشارکت مردم در انتخابات شوراهای در مقایسه با انتخابات دوره اول گفت: "شرایط حاضر به گونه ای است که چنین نشان می دهد فضای انتخاباتی و استقبال مردمی وجود ندارد اما به تدریج و با پایان بررسی ها صلاحیت ها و با همکاری

رسانه ها می توانیم این فضای لازم را ایجاد کنیم."

امیر محیبیان در رسالت ۲۶ دی ماه، با این مقدمه که خبر انحلال شورای شهر تهران "نقطه پایانی بر یک نگاه غلط یا استراتژی نافرجام در باب یک نهاد مدنی بود که می توانست در نهادینه سازی مردم سالاری بویژه با قرائت دینی مفید واقع شود"، نوشت: "امید فراوان به توفیق شوراها پس از انقلاب در چارچوب قانون شوراها و شهر و روستا متبلور شد، هر چند که شك و تردید در مورد امکان موفقیت این روش مدنی، مدتی اجرای آن را به تاخیر انداخت ولی عملا دولت خاتمی، مدیریت مردمی را به عنوان یک امتیاز مثبت در کارنامه خود ثبت نمود. اما در عمل چه شد؟ فارغ از موفقیت های جزئی و منطقه ای شوراها و شهر و روستا، اساسا عملکرد شورای شهر تهران در منظر افکار عمومی یک شکست بزرگ در کار تیمی را رقم زد."

نگاهی دوباره به اظهار نظرات بالا نشان می دهد که تفکرات مذکور، موزیانه در صدد است مساله اصلی که همان تعیین سرنوشت مردم به دست مردم است را کم رنگ، ناکارا و غیرعملی قلمداد کند. سخنان و اظهارات بالا بدون توجه به ساختار موجود، کشمکش های درونی جناح ها را به خواسته های جنبش مردمی تعمیم داده اند تا از این رهگذر، اجرای برنامه های ضد مردمی، که یکی از آنها به حداقل رساندن مشارکت عمومی در سرنوشت خویش است، صورت تحقق به خود بگیرد. در مورد شوراهای شهری در کشور که ۷۷ اسفند ۷۷ اولین دوره آن برگزار گردید، هدف از آن در نزد توده ها، نوعی اعلام مخالفت با سیاست های سرکوب گرانه بود. سیاستی که اصل حضور و مشارکت مردم را نفی می کرد. این موضوعی نبود که از دید حکومتیان هم پوشیده بماند و به همین دلیل محمد خاتمی در پیامی که پیش از انتخابات شوراها برای مردم فرستاد نیز به این واقعیت اشاره کرد. وی در آن پیام آورد: "خدا را سپاسگزارم که در آغاز دهه سوم پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مهم ترین محورهای که هدیه انقلاب ماست، یعنی حاکمیت مردم بر سرنوشت شان و دخالتشان در امر راه بردن جامعه در حال تحقق است. . . . بخشی از قانون اساسی که معطل مانده بود، بخش شوراها و اسلامی شهر و روستا بود. با همه اهمیتی که داشت. در حالی که مردمی ترین بخش قانون اساسی به یک معنا و فراگیرنده ترین بخشی است که همه را در بر می گرفت" (همشهری، ۵ اسفند ۷۷). خاتمی در ادامه این پیام، در اشاره به توسعه سیاسی گفت: "توسعه سیاسی به معنی تضمین کردن و زمینه سازی کردن برای همان دخالت مردم در سرنوشت شان و نهادینه کردن حضور مردم در عرصه است. . . . یکی از مهم ترین محورهای که توسعه را تضمین می کند همین امر شوراهاست که مستقیما به حکم قانون اساسی، مردم در سرنوشت و اداره جامعه شان دخالت می کنند." در انتخاباتی که دو روز بعد از این پیام برگزار گردید میلیون ها نفر از هم میهنان مان با این اطمینان که روند اصلاحات بنیادی و نهادینه کردن مشارکت عمومی در چارچوب رژیم و ولایت فقیه امری محال است، ابراز مخالفت آشکار خویش را با سیاست های

گذشته به گوش حاکمان مرتجع رساندند. مردم نشان دادند در طول سالیان گذشته و دوران سرکوب و شکنجه و عدم حضور آنها، رژیم ولایت فقیه علیرغم اینکه این مهم حتی در قانون اساسی و قوانین اسلامی مورد قبول آنها نیز بود، به آن بی اعتنائی کرده بود. رژیم ولایت فقیه در موقعی تن به خواسته مردم داد که فشار فزاینده ای از این بابت متوجه آن بود. بررغم تمامی این فشارها، همچون گذشته بسیاری از نیروهای معتقد به اصلاحات بنیادین از صحنه انتخابات حذف گردیدند و میدان، عملا برای کسانی ماند که در چارچوب های رژیم "خودی" محسوب می گردیدند. بررغم تمامی محدودیت ها، مردم با استفاده از روزنه های مختلف، با انتخاب چهره هایی که توانسته بودند از صافی های محدود کننده بگذرند و همچنین با رای دادن های معنی دار، همچون انتخاب زنان به عنوان گزینه های اول، سیلی محکمی را به مرتجعان حاکم زدند. یک هفته بعد از انتخابات شوراها، محمد یزدی در نماز جمعه تهران (۱۴ اسفند ۷۷) ضمن ابراز خشم از سیلی محکم توده ها، شوراها را جدید را مورد تهدید قرار داد و آنها را از اموری که وظیفه آنها نیست بر حذر داشت. چهار سال بعد از آن انتخابات، تمامی تلاش مرتجعان و کسانی که لباس اصلاح طلبی بر تن کرده اند بر این محور دور می زند که تجربه شورا و حضور مردم در تعیین سرنوشتشان، با شکست مواجه شده و سعی دارند آن را در لابه لای غوغای جدید به فراموشخانه بفرستند. تجربه انحلال شورای شهر تهران و ناکارآمدی شوراها در کشور بررغم تمامی این جاز و جنجال ها، این واقعیت ها را نشان داد که اصلاحات بنیادین در چارچوب ولایت فقیه امکان پذیر نیست. اگر به مردم این فرصت داده می شد که خود نمایندگان خویش را بدون نظارت موجود که توسط شورای نگهبان و دیگر ارگان ها صورت می گیرد، انتخاب کنند، مطمئنا روند موجود در شوراها شکل دیگری به خود می گرفت. به دلیل همین محدودیت ها است که ما اکنون شاهد ناکارایی و در نهایت انحلال این شوراها هستیم. این اقدامات ضد مردمی مربوط به گذشته نیست و جزو سیاست همیشگی مرتجعان بوده و است. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ دی ماه، در سرمقاله خود در رابطه با انتخابات شوراها به حضور نیروهای مردمی و دگر اندیش اشاره می کند و می نویسد: "اکنون با توجه به اینکه تعدادی از اعضا گروه غیر قانونی نهضت آزادی در تهران و بعضی شهرها برای عضویت در دومین دوره شوراها ثبت نام کرده اند، اگر صلاحیت این افراد تأیید شود، قطعا زمینه برای آلودگی شوراها بیشتر خواهد شد و در صد احتمالی ابتلا شوراها به بیماری بزرگ سیاسی زدگی و آلت دست مقاصد سیاسی شدن در دور دوم بالا خواهد رفت. بدین ترتیب هیئت های نظارت باید بدون درنگ صلاحیت این افراد را رد کنند و به آنها اجازه شرکت در انتخابات را ندهند." در فضایی چنین غیر دموکراتیک آن چیزی که در باره حضور میلیونی مردم می توان با اطمینان بیان کرد آن است که آن حضور، چیزی جز مخالفت آشکار با رژیم حاکم نمی توانسته باشد. مردم چنین شیوه هایی از مبارزه را برای بیان خواسته هایشان برگزیدند و همین امر خشم مرتجعان را برای انتقامجویی به عناوین مختلف برانگیخته است. انحلال شورای شهر تهران نه به دلیل اختلاف اعضای شورای شهر، نه به دلیل ناکارایی دولت خاتمی و نه به دلیل غیر عملی بودن کار جمعی بوده است. انحلال شورای شهر تهران اثبات عدم تحقق اصلاحات بنیادین در چارچوب و ساختارهای کنونی مبتنی بر اصل ولایت فقیه است. اصلاحات جدی در چارچوب رژیم ولایت فقیه امکان ناپذیر است.

## اتحادیه های مستقل کارگری خواست زحمتکشان

انتشار نامه نمایندگان کارکنان صنعت نفت به سازمان بین المللی کار که در آن ضمن اعتراض به گزارش اخیر این سازمان مبنی بر وضعیت تشکل های کارگری موجود، خواستار عدم دخالت نیروهای غیر کارگری در ایجاد اتحادیه های مستقل شده بودند، باعث عکس العمل هایی شده که خود نشان از تحولاتی در سطح جامعه کارگری میهنمان دارد. همایون منصوری، دبیر شورای ائتلاف های انجمن های مستقل کارگری و عضو هیات موسس کانون عالی انجمن های صنفی و دبیر کانون سراسری انجمن های صنفی کارگری رانندگان حمل و نقل جاده ای کشور در اشاره به نامه مذکور، گفت: "تشکل های زیادی وجود دارند که در کنار کار سیاسی، از شکل گیری اتحادیه های مستقل کارگری جلوگیری می کنند و اگر کسانی که خود را نماینده کارکنان صنعت نفت می دانند، واقعا به دنبال تشکیل اتحادیه های مستقل هستند، باید به آنها اعتراض کنند" (ایسنا، ۲۱ دی). وی با حمایت از انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران و رانندگان وسیله نقلیه سنگین، گفت: "دلیل خشم کسانی را که دائما به دنبال لابی پشت پرده با احزاب و چهره های سیاسی و سوء استفاده از تشکل های کارگری هستند و سابقه آنها برای همه روشن است را می دانیم." وی با حمایت از گزارش اخیر سازمان بین المللی کار آن را يك گزارش واقعی از فضای واقعی کارگری ایران دانست. چیزی که در این میان به هر دلیلی مورد توجه قرار نگرفته این است که آیا دبیر شورای ائتلاف های انجمن های "مستقل" کارگری این پیشنهاد نمایندگان کارکنان صنعت نفت را که از سازمان بین المللی کار درخواست کرده اند تا با نظارت خویش برای ایجاد و برپایی يك مجمع عمومی آزاد تلاش کنند تا نمایندگان واقعی کارگران مشخص شوند را قبول می کند یا نه؟ به نظر می رسد مناقشه ای در این مورد نبایستی وجود داشته باشد چون هر دو طرف دعوا به نقش سازمان بین المللی کار در این مهم صحنه گذاشته اند. موضوع دیگری که در این میان مورد سؤال قرار می گیرد این است که بر اساس گزارش مذکور همایون منصوری با عنوان دبیر شورای ائتلاف های انجمن های مستقل کارگری ذکر گردیده است. با توجه به اینکه اصولا تشکل مستقل صنفی در ایران وجود ندارد این سؤال مطرح است که این عنوان کدامین انجمن و تشکل های مستقل را نمایندگی می کند. اما از این اظهار نظر که بگذریم، اظهارات خواجه نوری معاون تنظیم روابط کار وزارت کار در پاسخ به این سؤال که آیا کانون عالی شورای اسلامی می تواند نمایندگی کارگران کارگاه های کمتر از ده نفر را داشته باشد، جاب است. وی گفت: "به هر حال با وجود بیش از سه هزار شورا و انجمن اسلامی کار در سراسر کشور، آنان اکثریت دارند و از نظر وزارت کار، نماینده کارگران در شورای عالی کار محسوب می شوند" (ایسنا، ۲۳ دی). این دوگانگی در مواضع هنگامی صورت می گیرد که نمایندگان سازمان بین المللی کار اتفاقا به دعوت وزارت کار به ایران دعوت شده بودند و گزارش مذکور مورد تایید این وزارتخانه قرار گرفت. چگونه است که هم می شود از گزارش مذکور که در آن نسبت به عدم وجود تشکل های مستقل کارگری انتقاد شده بود، حمایت کرد و در همان حال، شوراهای ضد کارگری اسلامی را به عنوان تشکیلات کارگری معرفی نمود. در گزارش سازمان بین المللی کار در مورد شوراهای اسلامی کار آمده بود: "هیات بر این عقیده است که شوراهای بدون انجام اصلاحات اساسی در قوانین حاکم بر تأسیس و فعالیت آنها، نمی توانند کاملا نقش آزاد و مستقل نمایندگی کارگری را ایفا کنند" (ایسنا، ۲۰ دی). البته خواجه نوری خیال خود را از بابت تمامی این مسایل راحت کرده و در جایی دیگر می گوید: "اشتباهی که این عزیزان دارند این است که انجمن صنفی را نماینده تمام صنوف قلمداد می کنند، در صورتی که در يك کارخانه چند هزار نفری هم کارگران می توانند شورای اسلامی کار را نخواهند و انجمن صنفی داشته باشند، هیچ مانعی ندارد، ولی چیزی که امروز در جامعه کارگری به چشم می خورد، عدم خواست اکثریت آنان برای تشکیل انجمن صنفی است. بعد از این همه جار و جنجال شاهد از غیب رسید که اکثریت کارگران تمایلی به برپایی تشکل های

مستقل خویش ندارند.

اقدام اخیر نمایندگان کارکنان صنعت نفت مطمئنا دل نگرانی های عمده ای را نزد حاکمان به دنبال داشته که آنها را وادار به انجام مانورهای متعددی کرده است. ایسنا، ۲۲ دی ماه، میزگردی را در مورد وضعیت صنعت نفت ترتیب داده بود که در آن "کارشناسان شورای مرکزی انجمن اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز"، در آن به تشریح نابسامانی های صنعت نفت پرداخته اند. گزارش مذکور دربرگیرنده نقد سیاست هایی است که در طول سال های گذشته از طرف نیروهای مترقی بارها تکرار گردیده بود ولی حکومتیان از اتخاذ چنین سیاست هایی دفاع کرده و می کنند.

محبوب از چهره های منفور و شناخته شده نزد کارگران در مصاحبه ای که با ایسنا، ۱۶ دی ماه انجام داده و بیشتر آن معطوف به تبیین و جایگاه جامعه کارگری و تشکیلات متعلق به آنان می گردد، بعد از افاضاتی دیدگاه خویش را در این مورد چنین بیان کرد: "اگر چه جنبش کارگری نوین در ایران بیش از صد و چند سال قدمت دارد اما حقیقتا سه دهه است که جنبش کارگری حضور و فعالیت قابل لمسی در ایران دارد و راهکار تشکیلاتی مثل شوراهای اسلامی کار، در اصل ۱۰۴ قانون اساسی و انجمن های صنفی در قانون و آیین نامه خودش، انجمن های اسلامی، اتحادیه ها و تشکیلات متعددی را پیش کشیده و طبیعتا يك تشکیلات عالی که مشرف و هماهنگ کننده بقیه تشکیلات هم هست از ابتدا بود و شاید در ایران، تشکیلات مادر، باعث شکل گیری تشکیلات دیگر شدند، یعنی ما از چهل و چند سال پیش شاهد فعالیت تشکیلات خانه کارگر بودیم و در گذشته تا امروز شاهد فعالیت های متأثر از این تشکل فراگیر هستیم." به این ترتیب بینشی که محبوب آن را نمایندگی می کند به هیچ عنوان تشکیلات خارج از چارچوب های خانه کارگر را قبول ندارد و نمی پذیرد. محبوب در جایی دیگر که قاعدتا باید اشاره به گزارش اخیر سازمان بین المللی کار باشد، در جواب این سؤال که آیا می توان قوانین و شرایط حاکم بر تشکل های کارگری در سطح بین المللی را به تشکل های کارگری ایران تسری داد، گفت: "اصولا هر کشوری، مقتضیات خاص خودش را دارد. مقررات بین المللی و مقابله نامه های سازمان بین المللی کار که یکی مقابله نامه ۸۷ و دیگری ۹۸ است، مربوط به آزادی تشکل ها و بسط آنهاست. در آنجا هرگز از نام خاصی یاد نمی کند بلکه گفته شده که تشکل ها باید بدون دخالت دولت، آزادانه تشکیل و فعال شوند، کارفرما حق مداخله در تشکیلات کارگری، حق مداخله در تشکیلات کارفرمایی و دولت حق مداخله در هیچ يك را نداشته باشد." محبوب و هفکرانش تا آنجایی که منافع ضد کارگريشان لطمه نخورد از سازمان های بین المللی حمایت می کنند و آنجایی که در تقابل با منافعشان قرار می گیرد، با اما و اگرهایی از برنامه های ضد کارگری حمایت می کنند. حسن صادقی یکی دیگر از مهره های شناخته شده رژیم در میان کارگران، در سخنانی که نشان دهنده تحولات مهم در عرصه کارگری است، گفت: "تشکل ها و شوراهای کارگری در تلاش اند تا کارگران را از انزوا خارج کنند و خودباوری را در آنها بوجود آورند، تا از پتانسیل های مثبتی که دارند استفاده کنند و پایگاه های لازم جهت احقاق حق شان را به دست آورند." (ایسنا، ۲۰ دی) در حالی که تلاش گسترده در بین کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری در حال نضج گیری می باشد وی موزیانه در جایی دیگر ادعا کرد که فضای بی تفاوتی و سرخوردگی در قشر کارگر وجود دارد و این سرخوردگی منجر به تصمیم گیری دیگران برای کارگران گردیده است. در حالی که همگان به خوبی آگاه هستند سیاست های ضد کارگری مورد توافق تمامی جناح های حکومتی است، وی حملات خویش را تنها متوجه دولت و مجلس کرده است. صادقی در مصاحبه ای دیگر با ایسنا، ۲۷ دی ماه، سخنانی در رابطه با تشکل های کارگری انجام داد که نشان از حساسیت این موضوع نزد کارگران دارد. وی در جایی گفت: "جنبش کارگری ایران يك جنبش عدالت گستر است که حقوق نیروی کار را دنبال می کند، نبود حرکت های منسجم مانند اعتصاب کارکنان صنعت نفت در سال های پیروزی انقلاب اسلامی در جامعه کارگری را امروز باید ناشی از شرایط زمان ارزیابی کرد. باید زمان را سنجید. جنبش کارگری ایران حرکت براندازانه نیست که اعتصاب راه بیندازد. جنبش ما سیاسی نیست که حرکت سیاسی در مقابل



## ادامه شکنجه و تلاش برای درهم شکستن اسیران ...

سخنان محسن میردامادی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس جای تامل و توجه دارد. زیرا روندی را بازگو می کند که، طی ۲۰ سال گذشته، سیاست و روش غالب قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و دیگر ارگان های امنیتی جمهوری اسلامی بوده است. و در عین حال این سخنان نه تنها شامل دوستان و همفکران وی که اینک گرفتار این روش ها شده اند، بلکه در باره کلیه مبارزان و انقلابیون میهن ما که اسیر چنگال رژیم ولایت فقیه بوده اند، نیز صدق می کند! میردامادی از جمله می گوید: "حرف های اصلی را در باره عباس عبدی زمانی باید زد که از سلول انفرادی خارج شود و بتواند آزادانه با دیگران گفت و گو کند ...". او سپس ادامه می دهد: "... از مجموعه این حرکات می توان نتیجه گرفت که یک برنامه و سناریو برای عبدی تنظیم شده است. او را هنوز در سلول انفرادی نگه می دارند...". میردامادی پس از آن با اشاره به حق یک متهم و زندانی برای حضور در دادگاه و شرایطی که در این مورد باید رعایت گردد، می گوید: "کسانی که کمترین آشنایی را با مسائل زندان و دادگاه دارند؛ می دانند که بردن فردی (که مدتی طولانی در سلول انفرادی بوده) به دادگاه برای دفاع، به لحاظ حقوقی و قضایی به هیچ وجه صحیح نیست... متهم باید بین دوران سلول انفرادی و دادگاه، مدتی را در محیطی آرام بسربرد تا بتواند خود را برای دفاع آماده کند و آنگاه به دادگاه برود". و سرانجام اینک، میردامادی از قول همسر گرانپایه می گوید: "... در آخرین ملاقاتش با وی (همسر) زمانی که ۷۹ روز در انفرادی بود، گفت که من دارم در انفرادی له می شوم".

برای یادآوری و خطاب به افرادی چون میردامادی، بجاست به تجربه دوده گذشته مراجعه کنیم و گوشه هایی از رفتار و عملکرد رژیم ولایت فقیه در حق دگراندیشان را به ویژه نیروهای چپ ایران بازگو کنیم، تا مشخص شود که هیچ گاه در طول عمر این رژیم ستمگر شرایطی حداقل تاکید می کنیم حداقل انسانی و قانونی در مراجع قضایی و سازمانهای امنیتی آن وجود نداشته است.

دهه ۶۰، دهه سرکوب خونین نیروهای انقلابی و میهن دوست هیچگاه از خاطره ها زدوده نخواهد شد. به ویژه واقعه فاجعه ملی در سال ۱۳۶۷! در آن دهه، علاوه بر کشتارهای بی وقفه و نابودی آرمان ها و آرزوهای مردم ایران، شاهد انواع مصاحبه ها و اعترافات دروغین و ساختگی بودیم که شامل کلیه گروهها با توجه به وزن و اعتبار اجتماعی و محبوبیت مردمی آنها می شود. از جمله این مصاحبه ها، در مورد رهبران شهید حزب توده ایران به مورد اجرا گذاشته شد. حجم عظیمی از تبلیغات جمهوری اسلامی و نیروهای سلطنت طلب در آن دوران بزرگ نمایی و "تاریخی" خواندن این مصاحبه ها بود. بررغم این مصاحبه های دروغین و ساختگی، رژیم هرگز جرات نکرد، حتی یک نفر از رهبران شهید حزب را حتی در دادگاهی فرمایشی و علنی مطابق آنچه خود رژیم برای مصاحبه ها تنظیم کرده بود، محاکمه کند! به هر جهت امروز، بی گمان حق با آقای میردامادی است که در مورد عبدی، دوست و هم فکر خود می گوید: "حرفهای اصلی را در باره عبدی زمانی باید زد که ... بتواند آزادانه با دیگران گفت و گو کند ...". البته حزب ما، به موقع خود هنگامی که به دنبال رسوایی مصاحبه های تلویزیونی و شکست طرح نابودی حزب توده ایران، بازار انتشار خاطره نویسی و تاریخ نویسی

توسط وزارت اطلاعات و سپاه و غیره گرم بود، با قاطعیت همین مضمونی را که میردامادی به کار برده، برای نخستین بار مطرح ساخت. و مصاحبه و خاطره نویسی و تاریخ نگاری را به این شیوه و هدف، فاقد اعتبار اعلام داشت.

در مورد سلول انفرادی باید بگوئیم، کلیه نیروهای چپ و از آن جمله حزب ما از کلیه حقوق شناخته شده محروم بودند. زندانیان سیاسی از همان سلول انفرادی و یا اتاق های در بسته که گاه حتی فضای نشستن و خوابیدن در آن نبود، یکسره به دادگاه (انقلاب) اسلامی برده می شدند و احکامی ظالمانه از اعدام تا حبس های طولانی مدت برای آنها صادر می شد. از وکیل، هیات منصفه و غیره خبری نبود.

برخی از کادرها و رهبران شهید حزب تمام دوران بازداشت تا شهادت خود را در سلول انفرادی گذاراندند، از جمله می توان از رفقا ناخدا افضلی، سرهنگ عطاریان، سرهنگ آذرفر، فرزند دادگر، علیرضا دلیلی، علی شعبانی و رفیق شهید انوشیروان لطفی نام برد. این موضوع درباره دیگر گروههای چپ هم رزم نیز صدق می کند. دگراندیشان و مبارزان میهن پرست، نه تنها از هیچ امکانی برخوردار نبودند، بلکه حتی برخی از آنها بررغم بیماری های سخت با همان حال اعدام شدند. می توان به نام های رفقای شهید محمد علی پژمان معروف به کاکو (پیکار)، اسماعیل رودگریان (چپ)، مسعود آقایی (گروههای خط سه)، مهدی زمانی (حزب توده ایران) اشاره کرد. برخی نیز قبل از اعدام، به شدت شکنجه شدند. مانند، رفقای شهید: عظیم محقق (حزب توده ایران)، علیرضا تشید (راه کارگر)، پیام هنریار (اقلیت)، مهرداد فرجاد (حزب توده ایران)... و وحشیگری و رذالت رژیم ولایت فقیه وصف ناپذیر است! در این باره اعدام زنده یاد منیژه هدایی که هنگام اعدام باردار بود و یا قهرمان شهید فاطمه مدرسی تهرانی که به دفعات در مقابل چشم دختر کوچک خود شکنجه شد، اشاره کرد. این گونه رفتار، با ماهیت رژیم ضد مردمی ولایت فقیه آمیخته و عجین است و در واقع سرشت این رژیم محسوب می گردد. اتفاقاً روزنامه اطلاعات بین المللی، سال نهم، شماره ۲۰۷۲، به تاریخ چهارشنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۸۱، در صفحه سوم خود که متن سخنان میردامادی را منتشر کرده، در ستون چپ همین صفحه خاطرات رفسنجانی را تحت عنوان من از پشت صحنه می گویم (شماره ۵۴) را نیز درج کرده که در چهار سطر پایانی آن رفسنجانی درباره شکنجه و مصاحبه های دهه ۶۰ می نویسد: "دوشنبه ۱۱ مهرماه ۱۳۶۲، شب پس از اخبار، مصاحبه دسته جمعی رهبران حزب توده (ایران)... در تلویزیون پخش شد، جالب است و از حوادث مهم تاریخ احزاب و انقلاب اسلامی به شمار می آید".

مقایسه این سخنان با سخنان میردامادی در یک صفحه، روزنامه مجاز رژیم، خود نشانگر آنست که کدام افراد و اشخاص بوده و هستند که، این روش ها و برخوردها را طرح، سازماندهی و آمريت می کنند. ظاهراً "حوادث مهم تاریخ احزاب و (انقلاب) اسلامی" در طول ۲۰ سال گذشته، همواره چون معجزه سربازان گمنام امام زمان تکرار، تکرار و تکرار می شود! در پایان بار دیگر تاکید می کنیم، شکنجه، اعتراف اجباری و بازداشت های غیر قانونی و پرونده سازی برضد هر نیرویی از نظر حزب ما محکوم است و باید با تمام قوا برضد این روش های ضد انسانی و رژیم می که این روش ها را به کار می برد مبارزه کرد.

## سرکوب خلق ها - سیاست مستمر رژیم ولایت فقیه

### همبستگی طبقه کارگر با مبارزه خلق ها

سرکوب خشن و خونین خلق های میهن ما از جمله سیاست های مستمری بوده است که رژیم ارتجاعی و ضد مردمی ولایت فقیه با خشونت در طی دوده دهه اخیر ادامه داده و می دهد. ستم رژیم ولایت فقیه نسبت به خلق های محروم میهن ما، افزون بر سرکوب خشن و خونین نیروهای ملی همچنین شامل محروم کردن خلق ها از فرهنگ و زبان ملی و تحمیل سیاست خائنان برانداز ارتجاعی بدون توجه به خواست های مردم بوده است. محرومیت دهشتناک مردم بلوچستان و کردستان از جمله نمونه های روشن اعمال این سیاست ها در سطح کشور است. در هفته های اخیر سیاست های ضد ملی و ضد مردمی رژیم در حمله خشن و خونین نیروهای انتظامی به اهواز خود را به نمایش گذاشت. بر اساس گزارش خبرگزاری دانشجویان (ایسنا) "نیروی انتظامی شهرستان اهواز با هماهنگی دادگستری استان خوزستان، اقدام به حمله به چندین منطقه شهر اهواز با هدف جمع آوری ماهواره ها، ویدئو کلوپ ها و سی دی کلوپ ها کردند. . . . جاسم شدیدزاده نماینده مردم اهواز اظهار داشت: مهم این که این اقدام بدون هماهنگی با استانداری استان خوزستان و معاونت استانداری و وزارت اطلاعات و فرمانداری شهرستان اهواز صورت گرفته است. شدیدزاده تصریح کرد: عملیات با این وسعت، مجوز شورای تامین را می طلبد، ولی متأسفانه این اقدام بدون هیچ گونه هماهنگی با دستگاه های اجرایی و بدون مجوز صورت گرفته و شیوه برخورد بسیار خشونت آمیز بود، که منجر به درگیری بین مردم و نیروی انتظامی شد، و بعضاً بوسیله مردم، شعارهای تندی علیه نظام داده شد. این گونه برخوردها در راستای پروژه بحران سازی در سرتاسر کشور صورت می گیرد و در پی تغییر ادبیات سیاسی و گفتمان جریان تندرو و افراطی راست، این اقدامات در استانی مثل خوزستان که حساسیت و نقش آن در اقتصاد ملی بر کسی پوشیده نیست، صورت گرفته است. " شدیدزاده ابراز عقیده کرد: "متأسفانه هم فرمانده نیروی انتظامی اهواز، هم فرمانده نیروی انتظامی خوزستان و هم رئیس دادگستری استان خوزستان از یک طیف هستند. . . . " به گفته نماینده اهواز "عده زیادی از مردم در بازداشتگاه های نیروی انتظامی هستند و بیشتر بازداشت شده ها هم از دانش آموزان هستند، چون حمله نیروی انتظامی با تعطیلی مدارس همزمان شد و هفت مدرسه در یکی از خیابانهای منطقه اهواز تعطیل شدند، یکبارہ وقتی دانش آموزان چشمان خود را باز کردند، با عده زیادی از نیروهای انتظامی ملبس به لباسهای ضدشورش و کلاه کاسکت مواجه شدند که نوعی انفعال در دانش آموزان ایجاد شد و منجر به این درگیریها شد. " بر اساس گزارش های رسیده در پی یورش وحشیانه نیروهای انتظامی به مردم در اهواز، کارگران نورد اهواز نیز در اعتراض به اقدامات وحشیانه مزدوران رژیم دست به اعتصاب زدند. همبستگی کارگران نورد اهواز و دانش آموزان با مردم محروم اهواز نشانگر پیوند نزدیک مبارزه نیروهای اجتماعی بر ضد ارتجاع حاکم است. سیاست سرکوبگرانه رژیم در خوزستان خصوصاً متوجه خلق عرب این منطقه بوده که برغم ثروت عظیم مناطق نفتی این مناطق، در فقر و محرومیت کم نظیری به سر می برند. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن حملات وحشیانه نیروهای انتظامی و ابراز همبستگی با مبارزه مردم، خواهان

آزادی بدون قید و شرط دانش آموزان و سایر دستگیر شدگان این اعتراض مردمی است. تنها با مبارزه مشترک و همبستگی پیکار همه خلق های تحت ستم میهن ما است که ایران می تواند به سمت آزادی و دموکراسی حرکت کند و زمینه ساز تحولاتی گردد که خودمختاری خلق های میهن ما در چارچوب ایرانی آزاد و متحد را فراهم آورد.

### ضرورت پایان دادن به تفرقه نیروها

میهن ما با توجه به تحولات داخلی و منطقه ای دوران حساس و سرنوشت سازی را سپری می کند که لزوم توجه و دقت به آن مسئولیت نیروهای سیاسی، شخصیت های مترقی و روشنفکر را که برای آزادی و سربلندی توده های زحمتکش میهن در تلاش و مبارزه هستند، دو چندان می سازد. میهن ما در حالی که در بیش از دو دهه قبل شاهد یکی از مردمی ترین انقلاب های قرن گذشته بود به سرنوشتی دچار گردید که میزان تلفات و هزینه های آن برای آمل و آرزوهای دیرینه زحمتکشان بسیار سنگین و گاه غیر قابل جبران است. این سببیت و سرکوب گری در اوایل از طریق دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام مبارزان شروع و با ترور فعالان مطرح سیاسی در خارج از کشور ادامه یافت. در مورد نیروهای مترقی هدف از تمامی این اقدامات که بسیار حساب گرانه به مورد اجرا گذاشته شد، تهی کردن اپوزیسیون مترقی از وجود نیروها و شخصیت های مطرحی می بود که محبوبیتی در بین توده ها داشتند. به موازات چنین اقدامات خونین و وحشیانه که در داخل و خارج کشور در طول تمامی دوران رژیم جریان داشته، این بحث که چگونه و به چه صورت می توان این گونه اقدامات را خنثی کرد و در عوض راه را برای استقرار دموکراسی و حکومت مردمی باز کرد مورد بررسی نیروها و شخصیت های مترقی بوده و است. گام بسیار مهم و سرنوشت ساز در این مسیر برپایی اتحاد نیروهای طرفدار آزادی و دموکراسی در میهن است. این مهم اخیراً به دلیل شرایط حساس میهن و اوضاع منطقه در مقیاسی وسیع تر مورد توجه قرار گرفته نشریه "کوردستان" شماره ۳۵۵ مصاحبه بی را با رفیق حسن زاده دبیر کل حزب دموکرات کردستان انجام داده است. وی در این ارتباط با توجه به سفر اخیرش به کشورهای اروپایی و دیدارهای مختلف می گوید: "در مواضع و دیدگاه های احزاب و سازمان های ایرانی تغییراتی کاملاً کیفی به وجود آمده است. بارها به این واقعیت اشاره شده که دلیل اساسی بقای جمهوری اسلامی بر مسند قدرت، پراکندگی و تفرقه در میان نیروهای اپوزیسیون ایران است. این تفرقه و پراکندگی متأسفانه هنوز هم به نوعی باقی مانده است، با این تفاوت که در گذشته این نیروهای سیاسی به جای آنکه در برابر جمهوری اسلامی قد علم کنند، بیشتر سرگرم تاختن به همدیگر و شاخ و شانه کشیدن برای یکدیگر بودند. بعد از چندی این تنش فروکش نمود و تاخت و تازهایی از این دست رو به کاستی نهاد. اینک وضعی پدیدار گشته که در آن نیروهای سیاسی ایران، تقریباً همگی به تقرب و گفت و شنود و گوش دادن به سخنان طرف های مقابل و همکاری با یکدیگر در راستای مبارزه با جمهوری اسلامی تمایل نشان می دهند. حتی از هر سو به تشکیل انجمن ها و مجامع روی آورده اند با این هدف که چیزی به نام جبهه، تشکل و یا هر عنوان دیگری به وجود

## ادامه اعلامیه کمیته مرکزی ...

اند و نیروهای وابسته به جناح ذوب در ولایت نیز با توجه به شکست خفت باری که در نخستین دوره انتخابات شوراها متحمل شدند، نیز اعلام کرده اند که از اعلام نامزدهای رسمی در انتخابات شوراها خودداری خواهند کرد. همچنین همه شواهد و گزارش های رسیده حاکی از آن است که رژیم خواهان برگزاری انتخاباتی ضعیف و بدون مشارکت مردم است تا از این طریق گسست توده ها را با روند اصلاحات اثبات کند.

حزب توده ایران معتقد است که با توجه به یورش وسیع مرتجعان حاکم، در هفته های گذشته برای سرکوب و خفه کردن روند اصلاحات و نیروهای مدافع اصلاحات باید با استفاده از امکانات موجود صحنه انتخابات شوراها را به عرصه مبارزه برای بسیج نیروهای اجتماعی و تشدید افشاگری و پیکار بر ضد مافیای رژیم ولایت فقیه تبدیل کرد. انتخابات شوراها بار دیگر عرصه مناسبی برای نبرد در راه طرد رژیم ولایت فقیه و اعلام حمایت و همبستگی از روند اصلاحات و تأکید بر خواست تعمیق این روند است.

تجربه چهار سال گذشته نشان داده است که تاریخ اندیشان حاکم مترصدند تا با استفاده از همه امکانات "قانونی" و سرکوبگرانه خود اجازه ندهند تا هیچ گامی در راه تحقق خواست های مردم ما برای دست یابی به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی برداشته شود. موفقیت رژیم در سد کردن راه تحقق خواست های مردم، تنها به دلیل ضعف جنبش مردمی، عدم سازمان یافتگی آن و عدم اتحاد و همکاری سازمان یافته نیروهای اجتماعی ضد رژیم ولایت فقیه است. با توجه به این واقعیات است که امروز مردم و نیروهای سیاسی، اجتماعی و آگاه میهن ما باید با استفاده از همه امکانات موجود و از جمله انتخابات شوراها به امر سازمان دهی نیروهای اجتماعی توجه ویژه مبذول دارند و با دفاع از چهره های ضد استبداد، و مدافع اصلاحات و همچنین افشای وابستگی به رژیم ولایت فقیه، ارجنجام را با شکست دیگری روبه رو کنند. حزب توده ایران معتقد است که تحقق اصلاحات بنیادین تنها با بسیج توده ها و مبارزه قاطع آنها امکان پذیر است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۸ دی ماه ۱۳۸۱

## ادامه سرکوب خلق ها ...

آورند. اکنون از نیروهای راست افراطی گرفته تا چپگرایان دو آنشه، همگی اظهار علاقه می کنند که با هم بنشینند و به تبادل نظر بپردازند. این وضعیت نشانگر آن است که آنهایی که در خارج از کشور نیز هستند ضرورت همبستگی در میان خود و مهم تر از آن نیاز نزدیک تر شدن به کشور و همکاری با مبارزان داخل ایران را بیشتر و بهتر احساس می نمایند. نیازی به گفتن نیست که بسیاری از نیروهای سیاسی ایران با ما نیز تماس گرفتند و خواستار همکاری با ما بودند. ما نیز بیش از هر کس و نیرویی و با همگان بر این اعتقادیم که نیروهای سیاسی ایران باید به هم نزدیک شوند و به گونه ای تنگاتنگ و صمیمانه با یکدیگر همکاری نمایند، باشد که با مبارزه مشترکمان بتوانیم وضعیت حاکم کشور را تغییر دهیم. در همانحال، ما بیشتر بر این مسأله پای می فشاریم که باید با تمام نیرو و بکوشیم به نیروی اصلی مبارزه علیه دیکتاتوری هر چه بیشتر نزدیک شویم و آن نیز نیرویی است که در داخل کشور درگیر مبارزه است. ما هر اندازه تجربه سیاسی و سابقه انقلابی داشته باشیم، باید این واقعیت را بپذیریم آنهایی که می توانند دگرگونی هایی در داخل کشور به وجود آورند، همان هایی هستند که در داخل ایران به مبارزه برخاسته اند. تا آنجا که در توان داریم باید بکوشیم به حرکت موجود در داخل کشور نزدیک گردیم و با آن از در همکاری درآیم. از آن الهام بگیریم و اگر امکاناتی در اختیار داریم آن را در اختیار این حرکت بگیریم که در داخل کشور وجود دارد. "رفیق حسن زاده، در ادامه آینده روابط میان نیروهای سیاسی را بیش از هر زمان دیگر روشن و امیدوارکننده ارزیابی کرده است.

در اشاره به سخنان بالا، ذکر این نکته ضروری است که، چنین مباحثی قبلا و به تناوب مطرح بوده است، اما سخنان اخیر دبیر کل حزب دموکرات کردستان از این زاویه مهم است که با بینش روشن نسبت به وضعیت جنبش و مبارزات مردمی، راه کارهایی شفاف را عرضه کرده است. اما مسأله مهم در این بحث این است که آیا صرف بیان چنین نظرات اصولی می تواند این مهم را به انجام برساند؟ متأسفانه تجربیات گذشته حتی در بین نیروهایی که از نظر موضع گیری سیاسی کمترین اختلاف را با هم داشته اند، دستاورد عملی و عینی ملموسی را به همراه نداشته است. امید است این بار و با توجه به وجود چنین بینش های صحیح و اصولی بی راه دشوار آزادی و دموکراسی به پشتوانه نیروی توده ها از طریق همکاری های عملی بین اپوزیسیون مترقی خارج از کشور و پیوند آن با مبارزات داخلی توده های میلیونی هموار شود و بساط بیش از دو دهه سرکوب و اختناق رژیم ولایت فقیه برچیده گردد. حزب توده ایران بار دیگر ضرورت همکاری عملی نیروهای مترقی را مورد تأکید و تأیید قرار می دهد و آمادگی خویش را در راه تحقق چنین مهمی اعلام می دارد.

## ادامه اتحادیه های مستقل ...

چیزی که به آن اعتقاد داریم انجام دهیم. عدم دخالت کارگران در امور سیاسی موضوعی است که حاکمان کنونی به شدت از آن نگران هستند و در این باره با اظهار نظرهای مختلف سعی می شود به هر صورتی از آن جلوگیری شود. تاج الدین نماینده "اصلاح طلب" و ضد کارگری از اصفهان، نیز در این مورد می گوید: "در همه جای دنیا تشکل های کارگری پیرامون مسایل صنفی کارگری شکل گرفته و تعریف پیدا می کند. با پی گیری و دنبال کردن اهداف خودشان، بیشتر مسایل صنفی را در راستای صیانت از حقوق نیروی کار محقق کنند" (ایسنا، ۱۳ دی).

وی در جایی دیگر با حمایت از شوراهای اسلامی کار و اینکه این شوراها از دستاوردهای جنبش کارگری است، و ضمن حمایت از حزب اسلامی کار، در رابطه با گزارش اخیر سازمان بین المللی کار، گفت: "ضمن اینکه تشکیلات کارگری ما یک سلسله ارتباطات با سایر تشکل های کارگری دنیا دارد و به هر حال تعامل و آمد و شد با سایر کشورها داریم و هیات های مختلف از سایر کشورها به کشور ما می آیند و هیات هایی هم از کشور ما به منظور تبادل نظر به دیگر کشورها می روند، همچنین ما یکی از اعضای اتحادیه بین المللی کار هستیم، اما اینکه هر آنچه که جنبش های دیگر کشورها می گویند ما هم بگوییم، بحث متفاوتی است." صرف نظر از اظهارات بالا، بحث تشکیلات مستقل، بحثی است که باید به طور پیگیر برای جا انداختن کامل آن در میان کارگران و زحمتکشان کوشش و جدیت کرد. این موضوع با توجه به سخنان حکومتمیان دارای زمینه های عینی است و باید جای خویش را برای پیشرفت جنبش مردمی باز کند.

برای جنبش کارگری و فعالان در ارتباط با آن مسأله این نیست که در رابطه با مسایل اخیر کارگری کدام طرف درست می گوید و یا کدام طرف در صدد فرصت طلبی است، موضوع مهم این است که فکر ایجاد تشکل های مستقل کارگری را در میان کارگران هر چه بیشتر پروراند و به آن کمک کرد. این موضوع مهمی است که چالش های اجتناب ناپذیر را برای رژیم ولایت فقیه به همراه خواهد آورد.

## هدف اسرائیل نابودی کامل فلسطین است

"بنیامین نتانیاھو" وزیر امور خارجه اسرائیل در مصاحبه یی رادیویی با رادیو اسرائیل در ۱۸ دی ماه (۸ ژانویه)، اعلام کرد که اگر حزب لیکود در انتخابات آتی که در روز ۸ بهمن ماه (۲۸ ژانویه) برگزار خواهد شد، به پیروزی برسد، یاسر عرفات را از منطقه اخراج خواهد کرد. او گفت: "اگر می خواهید به رابطه با عرفات ادامه بدهید به حزب کارگر رای بدهید... اگر می خواهید از دست عرفات راحت شوید، به حزب لیکود رای بدهید."

اخراج و بیرون راندن عرفات یکی از اصول سیاست های دولت نتانیاھو در دوران نخست وزیری او در فاصله سال های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹ بود. این سیاست بخشی از در هم شکستن مبارزه مردم فلسطین است که در همکاری مستقیم با آمریکا صورت می گیرد و هدف نهایی آن بیرون راندن تمامی فلسطینی ها از منطقه و ایجاد کشور "بزرگ و قدرتمند" اسرائیل است، سیاستی که نباید آن را جدا از سیاست برتری طلبانه آمریکا در منطقه خاورمیانه و کنترل آن دانست. ایالات متحده در حالی که از سویی در حال تحت فشار قرار دادن عراق و سرنگونی دولت صدام و بدست گرفتن کنترل این کشور است، از سویی دیگر با پشتیبانی کامل از اسرائیل، در صدد سرکوب جنبش مردمی و استقلال طلبانه فلسطین و نابودی آن است. چرا که مساله فلسطین، مساله اصلی مبارزاتی خلق های خاورمیانه است و شکست فلسطین، پیروزی بزرگی برای امپریالیسم و عقب نشینی یی جدی برای مبارزات مردم عرب در مجموع خواهد بود.

دولت بوش در پشتیبانی از اسرائیل، صراحتاً چراغ سبز نشان داده است. در حالی که ارتش اسرائیل در حملات شبانه روزی خود مردم فلسطین را به خاک و خون می کشد، آمریکا اخیراً هواپیما های جنگی اف-۱۶، هلی کوپتر های کبری و دیگر سلاح های سنگین را در اختیار این کشور قرار داده است و مهم تر از آن اینکه در برابر اعتراض های جهانی و بدون کوچکترین توجهی به قطعنامه های سازمان ملل، به پشتیبانی سیاسی، نظامی و اقتصادی خود از اسرائیل ادامه می دهد. در حال حاضر دولت بوش ۱۴ میلیارد دلار دیگر کمک نظامی و اقتصادی در اختیار اسرائیل قرار داده است. ایالات متحده در ۳ سال اخیر بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی در اختیار اسرائیل قرار داده است، امری که این کشور را در رده چهارمین قدرت نظامی جهان قرار می دهد.

اما با وجود این پنج دهه اخیر مبارزات مردم فلسطین بدون وقفه ادامه داشته است و اسرائیل به رغم نیروی قدرتمند نظامی نتوانسته است این جنبش را از پا در آورد. علت این تداوم مقاومت در این است که مبارزه مردم فلسطین در میان مردم ریشه دارد و به صورت مجموعه یی به هم پیوسته حرکت می کند. آمریکا و اسرائیل بر اساس همین خاصیت این جنبش، می دانند که تنها راه شکست مقاومت مردم فلسطین، نابود کردن نهاد های سیاسی مردمی فلسطینی در تمامیت آن است. دولت اسرائیل، با پشتیبانی آمریکا، تا کنون تمامی قطعنامه های سازمان ملل را نادیده گرفته است و همچنان به جنایات خود ادامه می دهد. در ماه های اخیر ارتش اسرائیل به اشغال مجدد شهرها و روستا های کرانه غربی پرداخته است و از فعالیت اقتصادی مردم جلوگیری می کند. لوس آنجلس تایمز در شماره ۳۰ دسامبر خود در تشریح اوضاع یکی از روستا های کرانه غربی به نام "دیر ایستیا"، (Deir Istiya)، که ۴ هزار نفر جمعیت دارد، می نویسد: در سراسر کرانه غربی، شهرها و روستاها به مانند این (دیر ایستیا)، در حال مرگی آرام هستند. بیش از دو سال حکومت نظامی و لغو مجوز برای تردد شهروندان و فشارتنگ های ارتش اسرائیل، باعث شده که امور معیشتی، اقتصاد، کشاورزی، آموزش و پرورش و در بسیاری موارد وضعیت سلامتی مردم رو به وخامت و ویرانی برود... در دیر ایستیا، به ندرت کار برای کسی وجود دارد، دلالی و خرید و فروش جایگزین تجارت و بازرگانی شده اند. تنها مطب (روستا) از جمعیت موج می زند اما با کمبود دارو مواجه است. کودکان اغلب غذای کافی برای خوردن ندارند و اثرات سوء تغذیه در بیشتر افراد دیده می شود. این در میان مردمی است که زمانی به طور نسبی سالم بودند."

تخریب عمدی اقتصاد، سلامتی و سیستم آموزشی فلسطینی ها، در کنار کشتارها، بازداشت ها و زندانی کردن ها و تبعیدها، بخشی از استراتژی اسرائیل برای از بین بردن جامعه فلسطینی است. این هدفی است که از بدو پیدایش دولت اسرائیل در برنامه سیاسی آن قرار گرفته است و آن تبدیل فلسطین باستانی به کشور اسرائیل است: کشوری منحصرأ برای اسرائیلی ها.

اما به رغم فشارها و تهدیدات آمریکا و اسرائیل و کشتار مردم فلسطین، مبارزه مردم و مقاومت آن ها برای به دست آوردن استقلال و آزادی ادامه دارد و به عنوان مظهر مقاومت مردم عرب در منطقه خاور میانه نمود یافته است.

## ادامه حزب کمونیست کردستان عراق...

**سؤال:** به موازات آمریکا، ترکیه نیز همچنین در تحولات کنونی در کردستان عراق منافی را مورد نظر دارد. نظر شما در رابطه با این توجه و اهداف ترکیه در کردستان چیست؟

**جواب:** ما در رابطه با خطر واقعی تجاوز ترکیه به کردستان و مداخله در اوضاع آن در هراس هستیم. ما از تحریمات فراوان در دفعات گذشته می دانیم که ترکیه به صورت جدی مخالف ایجاد یک کشور کردستان آزاد در چارچوب یک عراق فدرال و یا هرگونه و هر درجه ای از خودمختاری برای کردهای عراق و یا ترکمن های عراقی است.

## اعلام خطر حزب کمونیست عراق

### «مخالفت با جنگ» نباید به «حمایت از

### رژیم صدام» تنزل یابد!

روزنامه "طریق الشعب"، ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق در صفحه اول شماره ژانویه خود در رابطه با کوشش برخی محافل که در ماه های اخیر در پوشش کارزار مخالفت با تهدید جنگ آمریکا بر ضد عراق، سعی در مشروعیت بخشیدن برای رژیم دیکتاتوری صدام حسین دارند، اعلام خطر کرد.

بر اساس گزارش طریق الشعب در روزهای ۱۸ و ۱۹ دسامبر کنفرانسی با شرکت طیف متنوعی از نیروها و سازمان ها، شخصیت های منفرد تحت عنوان "سازماندهی مبارزه بر ضد جهانی شدن و مخالفت با جنگ بر ضد عراق" در قاهره برگزار شد که احمد بن بلا شخصیت برجسته مبارزات آزادیبخش ملی الجزایر و جورج گالووی، عضو مشهور پارلمان انگلستان از حزب کارگر، از سخنرانان اصلی آن بودند. سند پایانی این کنفرانس تحت عنوان "بیانیه قاهره" که با مهارت از هرگونه اشاره یی به ماهیت رژیم دیکتاتوری و مسئولیت آن در ایجاد وضعیت کنونی طفره می رود، در سطح وسیعی در جهان و در محافل ضد جنگ پخش و تبلیغ شده است.

مقاله طریق الشعب با تیتیر "رسوایی در کنفرانس حامیان صدام در قاهره" افشاء می کند که "کنفرانس همبستگی با رژیم صدام حسین" در پایتخت مصر با خودداری نلسون ماندلا، رهبر بزرگ آفریقای جنوبی، و محمد حسنین هیکل، نویسنده روزنامه نگار معروف از شرکت در آن، و به طور همزمان اعتراض صریح هارولد چاومن، نویسنده برجسته آلمانی و مولف کتاب معروف "تله جهانی شدن"، به جو گردهمایی، ضربه سختی خورد. بسیاری از شرکت کنندگان با اعتراض به کوشش سازماندهندگان کنفرانس برای تبدیل آن به جلسه حمایت از رژیم دیکتاتوری خواهان این شدند که کنفرانس باید جلوه یی از "مخالفت جهانیان با جنگ آمریکا و در حمایت از مردم عراق و نه رژیم" باشد.

وضعیت در کنفرانس به صورتی بود که شخصیت های معروف شرکت کننده و از جمله هارولد چاومن، نویسنده سرشناس آلمانی، به صورت صریح تاسف و خشم خود را اعلام کنند. چاومن خطاب به دیگر شرکت کنندگان گفت که او "شدیدا از سخنرانی هایی که در جلسه افتتاحیه کنفرانس انجام شده، متأسف است" و اضافه کرد: "گویا که ما به اینجا آمده ایم که از دیکتاتوری در عراق حمایت کنیم". او گفت که شخصاً به این منظور در کنفرانس شرکت نکرده است، بلکه من آمده ام که از مردم عراق دفاع کنم و به خاطر نگرانی ام در مورد عواقب جنگ در منطقه.



**در عراق از طریق حمله نظامی به این کشور پاسخ گفت، که نظر به اهمیت آن‌ها در ادامه برای اطلاع خوانندگان نامه مردم منتشر می‌شود.**

**سئوال:** طرح آمریکا بر محور حمله و تجاوز نظامی به عراق به مثابه زمینه سازی برای تغییر رژیم است. آیا شما مطمئن هستید که جایگزین صلح آمیزی در مقابل طرح حمله آمریکا برای تغییر رژیم در عراق وجود دارد؟

**جواب:** آری همانگونه که قبلاً هم گفتیم، يك جایگزین صلح آمیز برای جنگ وجود دارد. ولی این قویاً به نیروهای اپوزیسیون عراق بستگی دارد که ابتکار عمل برای سرنگون کردن رژیم صدام را از طریق تشدید مبارزات سیاسی در عراق در پیوند نزدیک با حمایت بین المللی و واقعی، بدون متوسل شدن به مداخله نظامی و تحمیل پیش شرط، در دست بگیرند.

**سئوال:** چشم انداز همکاری نیروهای اپوزیسیون و ادامه آن چیست؟

**جواب:** تجربه نشان داده است که نیروهای اپوزیسیون ممکن است که اکنون باهم همکاری بکنند، ولی به محض اینکه یکی از آن‌ها در عراق مسلط بشود، مسایل ممکن است تغییر کند. ما، حزب کمونیست کردستان عراق از چنین عاقبتی نگران هستیم، به خاطر اینکه تجربه به ما آموخته است که چنین امری ممکن است.

**سئوال:** در صورتی که جنگ صورت بگیرد، که این محتمل است چونکه آمریکا مترصد آن می باشد، نظر حزب کمونیست کردستان عراق در رابطه با نقش کردستان و حزب شما در عراق در فرادای پس از جنگ چیست؟

**جواب:** ما مخالف جنگ هستیم. ما معتقدیم که جنگ فقط به ضرر مردم کردستان است، و ما از آن حمایت نمی کنیم. ولی، ما می دانیم که اگر آمریکا بی‌ها مصمم به اعلام جنگ بر ضد عراق هستند، ما نمی توانیم آن را متوقف کنیم، نه ما به عنوان حزب کمونیست کردستان عراق و نه هیچ کسی در اپوزیسیون. از سوی دیگر، ما می دانیم که سرنگونی صدام به نفع مردم عراق است که برای مدتی طولانی در چنگ رژیم او مصیبت و زجر کشیده اند، و مردم کردستان، بیشتر از هر کس دیگری قربانیان سیاست های فاجعه بار صدام در سرکوب، کشتار و جنگ افزارهای شیمیایی بوده اند. ما بر این باوریم که دولت پس از صدام از رژیم کنونی ضعیفتر خواهد بود، و به دلیل این ضعف، آن‌ها مجبورند که برخی آزادی‌ها را مجاز بدارند و کمونیست‌ها از این آزادی‌های جدید بدست آمده برای مبارزه و فشار برای آرمان‌های مردم استفاده خواهد کرد. در طول ده سال گذشته کردستان تحت چتر حمایتی آمریکایی‌ها بوده است. ما، حزب کمونیست کردستان عراق، از این وضعیت در جهت منافع مردم بهره برداری کرده ایم. مردم عراق مصمم هستند که صدام را سرنگون کنند حتی اگر مبارزه در راه حصول این هدف، منجر به صدمات دهشتناکی برای آن‌ها بشود. آن‌ها آماده هستند که هزینه پائین کشیدن صدام از قدرت را بپردازند.

ادامه در صفحه ۷

### کمک های مالی رسیده

به یاد شهیدان حزب از هلند ۵۰۰ یورو

## حزب کمونیست کردستان عراق:

### ما با تشدید مبارزه برای دموکراسی و سرنگونی صدام از صلح واقعی دفاع می کنیم!

به دعوت رهبری حزب کمونیست کردستان عراق در دی ماه جلسه ملاقات و تبادل نظر دو جانبه‌ی در رابطه با وضعیت حساس منطقه و سطح بی سابقه تنش سیاسی در همسایگی مرزهای میهن مان، با شرکت هیئت نمایندگی حزب توده ایران برگزار شد. در این جلسه رفیق ملا حسن، عضو هیئت سیاسی، و رفیق عباس رستم، عضو کمیته مرکزی حزب برادر نقطه نظرهای خود در رابطه با مسایل مختلف مبارزه خلق کرد در عراق و ایران و به ویژه عامل با اهمیت و خطرناک تدارک حمله نظامی به عراق در آینده نزدیک توسط ایالات متحده و متحدان آن را بیان کردند. نمایندگان رهبری حزب برادر همچنین اطلاعات مهمی را در رابطه با صف بندی نیروهای سیاسی کرد و کوشش کمونیست‌های کرد عراقی برای تشکیل جبهه متحد نیروهای مردمی برای مبارزه در راه صلح، دموکراسی و حقوق ملیت‌ها مطرح کردند. حزب کمونیست کردستان عراق روابط اصولی با هر دو حزب ملی عمده کردستان عراق، حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی، و جبهه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی و همچنین احزاب و نیروهای کرد ایرانی دارد. يك عضو هیئت رهبری حزب کمونیست کردستان عراق، رفیق حیدر شیخ علی، در مقام وزیر ارتباطات عضو دولت خودمختار در شمال عراق ایفاء وظیفه می کند. نقش حیاتی حزب در کوشش برای پایان دادن به زد و خورد های خونین بین دو حزب دموکرات کردستان و جبهه میهنی کردستان عراق و سعی در ایجاد جبهه وسیع نیروهای ملی در زیر پرچم خودمختاری برای کردستان در چارچوب يك عراق دموکراتیک، فدرالی و یکپارچه مورد تأیید همه مردم کردستان است. حزب کمونیست کردستان عراق در حالی که در رابطه با تحولات کردستان به مثابه يك حزب سیاسی مستقل عمل می کند، دارای روابط ارگانیک ویژه با حزب کمونیست عراق است. تعدادی از رهبران حزب کمونیست کردستان عراق، و از جمله رفیق ملا حسن، در ترکیب کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق هستند.

نمایندگان رهبری حزب توده ایران در اظهارات خود ضمن ابراز همبستگی با مبارزات مهم و ترقی خواهانه کمونیست‌های عراقی و نیروهای مترقی و مبارز کردستان در رابطه با تحولات حساس کنونی کشور توضیح داده و در باره با سیاست اصولی و روشن حزب در حمایت از مبارزه خلق‌ها، و به ویژه خلق مبارز کرد، و همبستگی با مبارزات نیروهای سیاسی مترقی خلق کرد و بالاخص حزب دموکرات کردستان ایران توضیحات مسوولی ارائه کردند. هیئت نمایندگی حزب توده ایران در تحلیل مرحله کنونی مبارزات برای اصلاحات سیاسی و نقش نیروهای مختلف سیاسی کشور و سیاست برنامه‌ای آن در رابطه با به رسمیت شناختن حق خودمختاری واقعی برای تمامی خلق‌های میهن در چارچوب يك ایران دموکراتیک و واحد که ساختار فدرالیستی خواهد داشت، توضیح دادند. نمایندگان رهبری حزبمان سیاست حزب توده ایران را در مورد لزوم ایجاد جبهه واحد ضد دیکتاتوری با شرکت تمامی نیروهای خواهان دموکراسی و معتقد به احترام به حقوق بشر و عدالت اجتماعی را یادآوری کردند و انجام این مهم را ضامن پیروزی تمامی مردم کشور و همه خلق‌های میهن دانستند. آنان با اشاره به سابقه تاریخی مبارزات متحدانه و تنگاتنگ حزب توده ایران و نیروهای سیاسی خلق‌های کشور به خصوص در آذربایجان و کردستان و لزوم کوشش برای رفع تمامی سوء تفاهم‌ها و بدبینی‌های موجود که عمدتاً ریشه ذهنی دارند، را در بین نیروهای مبارز و ترقی خواه بر پایه محور های مشترک مبارزاتی و احترام اصولی به استقلال نظری، ایدئولوژیک و تشکیلاتی همدیگر مورد تأکید قرار دادند. در پایان دیدار ضرورت تماس‌های نزدیک و مرتب بین رهبری دو حزب برادر مورد تأکید قرار گرفت.

\*\*\*\*\*

**رفیق ملا حسن در جریان گفتگوهای خود در حاشیه ملاقات با هیئت رهبری حزب توده ایران به برخی سئوال‌های کلیدی در رابطه با تلاش ایالات متحده برای تغییر رژیم**

آدرس‌ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 652**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

21st January 2003

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام

790020580 شماره حساب

10050000 کد بانک

Berliner Sparkasse بانک